

رونمایی کتاب:

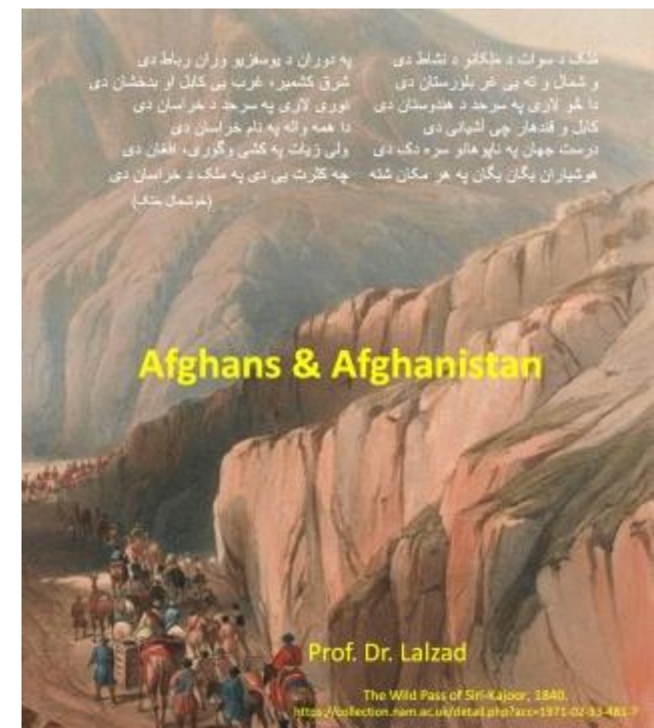
پژوهشی در گستره

تاریخ و جغرافیایی

افغان و افغانستان

پروفیسور دکتور عبدالخالق لعل زاد

دانشگاه هومبولت، برلین، ۷ دسمبر ۲۰۲۴



دو نوع قضاوت وجود دارد

* ذهنی/احساساتی: ادعاها، خیالات و جعلیات (تاریخ‌سازی‌ها)

* عینی/عقلانی: اسناد، شواهد و مدارک (واقعیت‌ها)

یکی از پیامدهای بسیار خطرناک «تاریخ‌سازی جعلی» برای یک «قوم» این است که آبرو و عزت آن قوم و افتخارات جعلی آن «حیثیتی» می‌شود؛ طوریکه، هرگونه سوال، سند و مدرک برخلاف آن، «ضدیت قومی» یا «دشمنی با آن قوم» پنداشته می‌شود!

عناوین

* بخش اول – پیشگفتار

* بخش دوم – اسناد و منابع

* بخش سوم – یافته‌ها، تحلیل و ارزیابی

* بخش چهارم – نتیجه‌گیری

* از کوه‌های سلیمان تا افغانستان امروزی (در نقشه‌های جغرافیایی)

بخش اول – پیشگفتار

توضیح اهداف، ضرورت و اهمیت پژوهش جهت ایجاد یک **گفتمان علمی و مستند** (در میان نسل جوان و علاقمندان تاریخ کشور):

* ادعاهای تاریخ‌های سرکاری و درباری: افغانستان تاریخ ۵ هزار ساله دارد؛

* سامانیان، غزنویان، غوریان، تیموریان، هوتکیان و درانیان، همه شاهان افغانستان بودند؛

* همه کسانی که در افغانستان زندگی دارند، افغان اند و...

تاریخ «کشورها» را نباید با تاریخ «اقوام» و تاریخ «سرزمین‌ها» به اشتباه گرفت!

اختلاط «تاریخ قومی» (قلمرو زندگی) با «تاریخ کشوری» (قلمرو حاکمیت) پایه و اساس علمی ندارد!

* در حالیکه مرزهای افغانستان کنونی در زمان عبدالرحمن (۱۸۸۰ – ۱۹۰۱) شکل گرفته و استقلال آن در زمان امان الله (۱۹۱۹ – ۱۹۲۹) اعلان شده است؛

* پیش از آن کشوری بنام افغانستان در تاریخ و جغرافیای جهان وجود ندارد (بلکه امپراتوری‌های هخامنشیان، اشکانیان، کوشانیان، یفتلیان، ساسانیان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، مغولان، تیموریان، صفویان، افشاریان، ابدالیان وغیره وجود دارد)!

بخش دوم – اسناد و منابع کهن، معتبر و دست اول (به شمول مقالات پژوهشی)

* گردآوری حدود ۵۰۰ اثر، نقشه، تصویر و مقاله پژوهشی (کهن، معتبر و دست اول)؛

* تنظیم آن در دو بخش: منابع داخلی (پارسی، پشتو و عربی) و خارجی (انگلیسی، ترکی و اروپایی) به‌گونه کرونولوژیک؛

* بازنویسی مطالب مهم آن‌ها: در باره واژه‌های افغان و افغانستان (و قبایل منسوب به آنها)؛

* دانشنامه افغان و افغانستان: یک کار علمی و فارغ از هیاهوی سیاسی، یعنی

بگذار اسناد سخن گوید!

بخش سوم – یافته‌ها، تحلیل و ارزیابی

تقسیم‌بندی این منابع و آثار با نظرداشت محتوا و پیوند آنها با نام افغان/اوغان/اغوان و موقعیت آنها [کوههای سلیمان/پاکستان، کرمان/ایران، نخستین نام‌های قبیله‌ی (دوره امیرتیمور)، وادی پشاور (دوره بابر)، شجره‌سازی (دوره مغولان هند)، به قدرت رسیدن غلجی/ابدالی‌ها، زوال امپراتوری ابدالی/درانی (آغاز بازی بزرگ و ایجاد حوزه نفوذ یا منطقه/دولت حایل و ایجاد کشور افغانستان] **به ۸ دوره و تحلیل و ارزیابی آنها:**

* **دوره اول (سده‌های ۱۰ الی ۱۴):** دوران سامانیان، غزنویان و آل کرت هرات (افغان‌های هندو در کوه‌های سلیمان)؛

* **دوره دوم (سده‌های ۱۴ و ۱۵):** دوران آن مظفر (ذکر اوغان‌های مغول در کرمان/ایران)؛

* **دوره سوم:** دوران امیر تیمور (ذکر نخستین نام‌های قبایل اوغان در کوه‌های سلیمان)؛

* **دوره چهارم (سده ۱۶):** دوران بابر (ذکر نخستین نام‌های قبایل امروزی افغان در قندهار، کابل، پشاور و سوات)؛

* **دوره پنجم (سده‌های ۱۶ و ۱۷):** دوران مغولان هند (تاریخ‌سازی برای منشای قبایل افغان)؛

* **دوره ششم (سده ۱۸):** دوران به قدرت رسیدن غلجی‌ها (در قندهار/اصفهان) و ابدالی‌ها (در قندهار/کابل)؛

* **دوره هفتم (سده ۱۹):** دوران فروپاشی امپراتوری درانی/ابدالی (آغاز بازی بزرگ و ایجاد حوزه نفوذ یا منطقه/دولت حایل توسط آنها)؛

* **دوره هشتم:** ایجاد کشور افغانستان (تعیین مرزها در اواخر سده ۱۹ و اعلان استقلال در اوایل سده ۲۰).

نخستین کاربرد واژه افغانستان

تاریخنامه هرات، سیف هروی، ۱۳۲۱، ص ۱۹۶ - ۲۰۳

فرمان منکوخان در ۱۲۴۸

در باره ولایات آل کرت

ذکر بیست و ششم
در رفتن ملک شمس‌الدّین پیش منکوخان و مراجعت او

چون شهور سنهٔ خمس و اربعین و ستمائه[۱۲۴۸/۶۴۵]درآمد، درین سال ملک اسلام شمس الحقّ والدّین کُرَتْ به ترکستان رفت. و سبب آن بود که چون طاهربهادر درگذشت پسر او **هلقتونویین**[۱] به جای او بنشست. بعد از چندگاه هلقتو و قرانویین در افغانستان برج و رنجهان[۲] را بتاختند و قُرب پانصد سر شتر براندند و دویست نفر مردم به اسیری گرفتند...

پادشاه منکوخان فرمان فرمود تا به جهت ملک یرلیغ نوشتند برین نوع که «امرا و ملوک خراسان و جماهیر ارباب ادیان و ملک و مشاهیر اصحاب عزّ و محل و صدور کافهٔ متوطفان خراسان و بُدُور عامّهٔ ایران بدانند که...

به هر شهری از ملکان معتبر رعیّت پرور و از امیران با خبر نیکو سیر ملکی و شحنه‌ای نامزد گردانیم. چون به کار عمارت شهر هرات، کُفِیَت عَنِ الْعاهاتِ وَ البَلِیّات، که معظم‌ترین بلاد خراسان است مَیَلانِ دل و التفات خاطر بیشتر داریم، بنابراین مقدماتْ ملک شمس‌الدّین کُرَتْ راکه از دودمان بزرگواریست و از خاندان نامداری و چون آبا و اجداد خود بر طریق مستقیم حسن روش می‌کند،...

[به] ملکی شهر هرات، حمیّت عَن الآفات، و توابع اوجون جام و باخرز* وکوسویه و خره[۱] و فوشنج و آزاب و تولک و غور[۲] و فیروزکوه و غرجستان و مرغاب[۳] و فارياب و مرجق[۴] تا آب آموی[۵] و اسفزار[۶] و فراه و سجستان و تکیناباد[۷] و کابل و تیراه[۸] و بستستان و افغانستان تا شطّ سندّ و حدّ [۱۷۰] هند فرستادیم و زمام حلّ و عقد و قبض و بسط این ولایات مذکوره را درکف کفایت و ید اهتمام او نهادیم تا به حُسن رأی و رؤیت و یُمن همّت و نَهْمَت این مواضع را آبادان گرداند ...
برین جمله که به ذکر پیوست بروند و عدول و انحراف نجویند و اوامر و نواهی را از لوازم [۱۷۱] و لوازب[۴] شمرند تا از دولت رضای ما محفوظ کردند و از عقوبت سخط ما محفوظ مانند».

حدود العالم، ۹۸۲، ص ۲۱۰ - ۲۱۱

سخن اندر ناحیت هندستان وشهرهای وی

۴۷ ـ گردیز ـ شهری‌است برحد میان غزنین وهندوستان برسر تلی نهاده ومراوراحصاری محکم‌است وسه‌باره دارد ومردمان او خوارج‌اند.

۴۸ـ سَول ـ دهیست بر کوه بانعمت واندراو افغانانند. چون از آنجا بروی تابحُسینان راه اندرمیان دو کوهیست ، واندرین راه هفتاد ودو آب بباید گذشتن ، وراهیست بامخاطره وبیم .

۴۹ـ حُسینان ـ شهریست گرم‌سیر برصحرانهاده .

۵۰ ـ بنیهار[۱] ـ جاییست پادشای او مسلمانی نماید وزن بسیاردارد ، از مسلمانان وازافغانان وازهندوان بیش ازسی ، ودیگر مردم بت‌پرستند و اندروی سه‌بت است بزرگ .

ALBERUNI'S INDIA هند البیرونی، ۱۰۳۰ (ج ۱ ص ۱۹۹-۲۰۸)

در کوههای مرز غربی هند تا دورترین مرزهای نژاد هندو، قبایل هندو یا مردم نزدیک به آن‌ها – نژادهای وحشی سرکش – زندگی دارند.
در کوههای مرز غربی هند، تا نزدیکی‌های وادی سند، قبایل مختلف افغان زندگی دارند.

In the mountains which form the frontier of India towards the west there are tribes of the Hindus, or of people near akin to them—rebellious savage races—which extend as far as the farthermost frontiers of the Hindu race.

In the western frontier mountains of India there live various tribes of the Afghans, and extend up to the neighbourhood of the Sindh Valley.

نخستین کاربرد واژه افغان

تقسیم‌بندی تاریخ/سرنوشت سرزمین‌های ما

* آغاز تاریخ – ۱۸۰۰ (دوران شاهنشاهی/امپراتوری‌ها و ملوک‌الطویفی‌ها)

* ۱۸۰۰ - ۱۹۰۰ (ورود استعمار، بازی بزرگ، ایجاد حوزه نفوذ و مرزبندی منطقه/دولت حایل)

* ۱۹۰۰ – تاکنون (ورود تفکر افغانیزم، اعلان استقلال، دولت-ملت‌سازی بربنیاد پشتو/پشتون/افغان)

آغاز تاریخ – ۱۸۰۰ (دوران شاهنشاهی/امپراتوری ها و ملوک‌الطویفی‌ها)

حدود العالم (۹۸۲)	واژه **افغان** (در بین گردیز و ننگنهار)
هند البیرونی (۱۰۳۰)	قبایل وحشی از نژاد هندو، کوههای سلیمان
تاریخنامه هرات سیف هروی (۱۳۲۱)	واژه **افغانستان اصلی** (گستره کوههای سلیمان)
فرمان منکوخان: ولایات فاریاب، غور، غرجستان، فراه، قندهار، کابل و افغانستان (از رود آمو تا رود سند)	
ظفرنامه تیموری (۱۴۲۵)	نام‌های نخستین قبایل افغان در «کوههای سلیمان» و ۴۰۰ خانه اوزبک، ۳۰۰ سرباز و ۳ اغلان جوجی
بابرنامه (۱۵۳۰)	واژه **افغانی** (لیار)، گسترش افغان‌ها به نواحی قندهار، پشاور و سوات و نام‌های قبایل امروزی
خیرالبیان بایزید روشان (۱۵۷۷)	نخستین اثر به زبان افغانی
مخزن الاسلام درویزه (۱۶۰۵)	واژه‌های **پشتون/پشتو** (افغان/افغانی)
دیوان خوشحال خان ختک (۱۶۸۰)	گسترش مفاهیم افغان/پشتون و افغانی/پشتو
مخزن افغانی نعمت الله (۱۶۱۱)	تاریخ‌سازی افغان‌ها (منشای یهودی: شاهان/پیامبران)
جهان نما کاتب چلبی (۱۶۵۲)	نقشه: اغوانستان/جبال اغوانیان (کوههای سلیمان)
نقشه‌های اروپایی (۱۶۵۲)	اغوان/اغوانستان (کوههای سلیمان)
غلزی‌ها (۱۷۲۲)	سقوط صفوی‌ها (شهرت نام افغان‌ها در اروپا)
ابدالی‌ها (۱۷۴۷)	امپراتوری افغان‌ها (شهرت نام افغان‌ها در اروپا)
تاریخ احمد شاهی ۱۷۷۳	واژه افغانستان ندارد و
تاریخ حسین شاهی ۱۷۹۸	هیچ شاه/امیری خود را شاه افغانستان نگفته است

۱۸۰۰ - ۱۹۰۰ (ورود استعمار، بازی بزرگ، ایجاد حوزه نفوذ و مرزبندی منطقه/دولت حایل)

سفرنامه فاستر (۱۷۹۸)	قلمرو زندگی افغان‌ها (پشاور، کابل، قندهار)
معاهده الفنستون (۱۸۰۹)	شاه کابل (افغانستان دومی: کابل، قندهار و پشاور)
معاهدات (۳۹/۱۸۳۸)	شاه شجاع (افغانستان) و کامران شاه هرات
دوست محمد (۵۷/۱۸۵۵)	والی/حاکم کابل
معاهده انگلیس/پارس (۱۸۵۷)	شناسایی استقلال هرات و افغانستان (کابل و قندهار)
مقالات مارکس/انگلز (۱۸۵۷)	افغانستان (کابل، قندهار و پشاور)
سفرنامه/تاریخ فیریر (۵۸/۱۸۵۶)	هرات شامل افغانستان است!
نقشه‌های ۱۸۰۰ – ۱۸۶۰	**کابل بزرگ** (افغانستان در جنوب آن: کابل و قندهار) (نقشه‌ها دیده شود)
سقوط هرات (۱۸۶۳)	ایجاد افغانستان سومی (کابل، قندهار و هرات)
مکاتبات با شیرعلی (۷۹/۱۸۶۳)	والی/حاکم کابل
معاهده با یعقوب خان (۱۸۷۹)	امیر افغانستان و متعلقات آن
با امیرعبدالرحمن (۱۸۹۳)	امیر افغانستان و متعلقات آن
با امیرحبیب الله (۱۹۰۵)	شاه افغانستان و متعلقات آن

۱۹۰۰ – تاکنون (ورود تفکر افغانیزم، اعلان استقلال، دولت-ملت‌سازی بربنیاد پشتو/پشتون/افغان)

سراج الاخبار محمود طرزی (۱۹۱۳) ورود اندیشه پان-افغانیزم (زبان افغانی و قوم افغان)

سراج التواریخ کاتب هزاره (۱۹۱۳) شاه افغانستان و ترکستان متعلقه آن

معاهده با امان الله (۱۹۱۹) افغانستان کنونی (استقلال، تاریخ/تاریخچه افغانستان)

ظاهرشاه (۱۹۳۵) تا کنون دولت-ملت(پشتو/پشتون/افغان)سازی، تاریخ/اسطوره‌سازی

بخش چهارم – نتیجه‌گیری

بر بنیاد اهداف پژوهش، نتیجه‌گیری‌های در مورد **گستره تاریخ و جغرافیای افغان‌ها و افغانستان** صورت گرفته که می‌تواند تقریبا **شناسنامه کامل افغان‌ها و افغانستان** را میسر سازد و سنگپایه گفتمان‌ها و پژوهش‌های بعدی برای علاقمندان تاریخ کشور گردد:

* **واژه «افغان»** پیشینه حدود ۱۰۰۰ ساله دارد (برپایه حدودالعالم)؛

* **واژه «افغانستان»** پیشینه حدود ۷۰۰ ساله دارد (برپایه تاریخنامه هرات)؛

* **نام‌های «نخستین قبایل افغانی»** پیشینه حدود ۶۰۰ ساله دارند (برپایه آثار دوره امیر تیمور)؛

* **نام‌های «نخستین قبایل امروزی افغانی»** پیشینه حدود ۵۰۰ ساله دارند (برپایه بابرنامه)؛

* **«ادبیات افغانی»** پیشینه حدود ۴۵۰ ساله دارند (برپایه خیرالبیان و اسرارالافاغنه)؛

* **واژه‌های «پشتو و پشتون»** پیشینه حدود ۴۰۰ ساله دارند (برپایه مخزن الاسلام) و

* **قبایل مختلف افغان/پشتون** منشای قومی/تباری گوناگون (هندی، یهودی، قبطی، هونی، ترکی، مغولی، ارمنی، پارسی/تاجیکی وغیره) دارند!

براساس منابع تاریخی، نقشه‌های جغرافیایی و معاهدات، نام/واژه‌های «افغانستان» دربرگیرنده جغرافیای زیر در چهار دوره بوده است (چهار افغانستان وجود دارد: نقشه بعدی دیده شود):

آغاز تاریخ – ۱۸۰۰ (دوران شاهنشاهی/امپراتوری‌ها و ملوک‌الطویفی‌ها)

۱. **افغانستان اصلی: قلمرو زندگی افغان‌ها** یا نوار «**کوههای سلیمان**» (۱۳۲۱ – ۱۸۰۰)؛

۱۸۰۰ - ۱۹۰۰ (ورود استعمار، بازی بزرگ، ایجاد حوزه نفوذ و مرزبندی منطقه/دولت حایل)

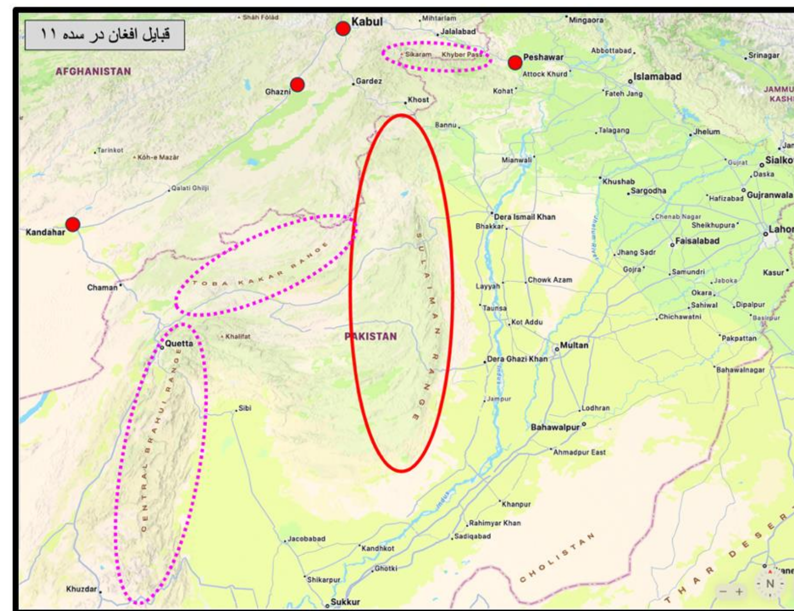
۲. **افغانستان بزرگ** فوستر/بروکس/همیلتون/الفنستون (قلمرو زندگی افغان‌ها): جنوب هندوکش یا مثلث «**کابل، قندهار و پشاور**» یا «صوبه کابل» مغولان (۱۸۰۰ – ۱۸۶۰)؛

۳. **افغانستان بزرگتر** فیریر (قلمرو زندگی افغان‌ها): جنوب و غرب هندوکش یا مثلث «**کابل، قندهار و هرات**» (و معادل «کابل بزرگ» الفنستون/کینر/ملکوم)(۱۸۶۰ – ۱۹۱۹)؛

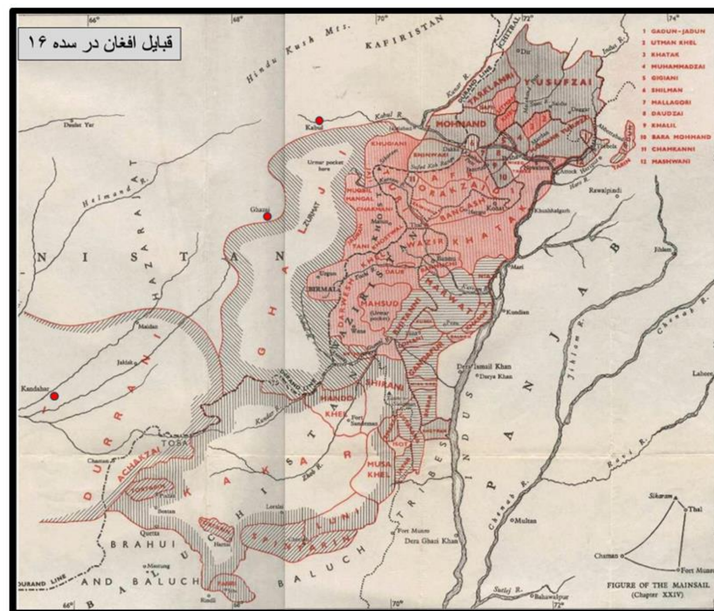
۱۹۰۰ – تاکنون (ورود تفکر افغانیزم، اعلان استقلال، دولت-ملت‌سازی بربنیاد پشتو/پشتون/افغان)

۴. **افغانستان کنونی (قلمرو حاکمیت افغان‌ها)**: جغرافیای افغانستان فعلی (۱۹۱۹ – ۲۰۲۴).

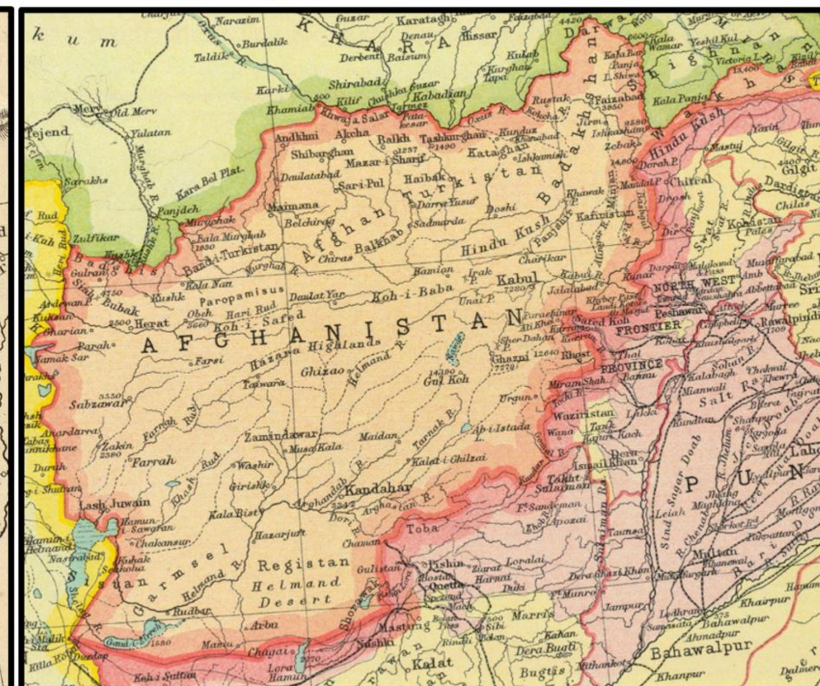
۱. افغانستان اصلی (نوار کوههای سلیمان)



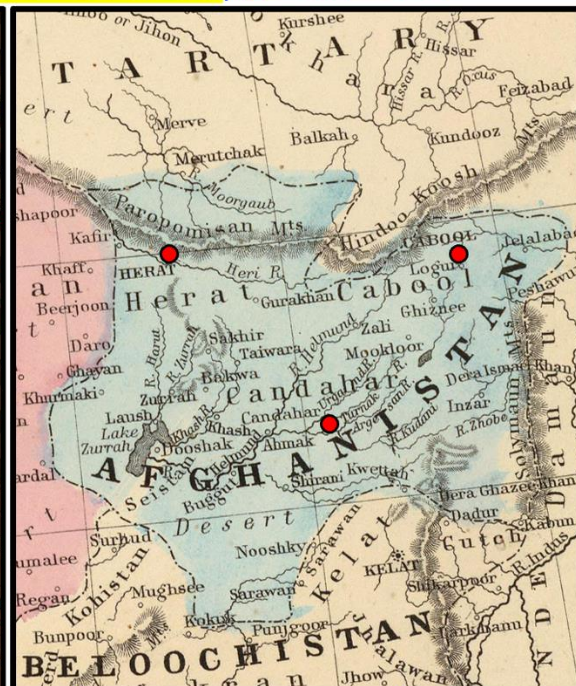
قبایل افغان در سده ۱۱



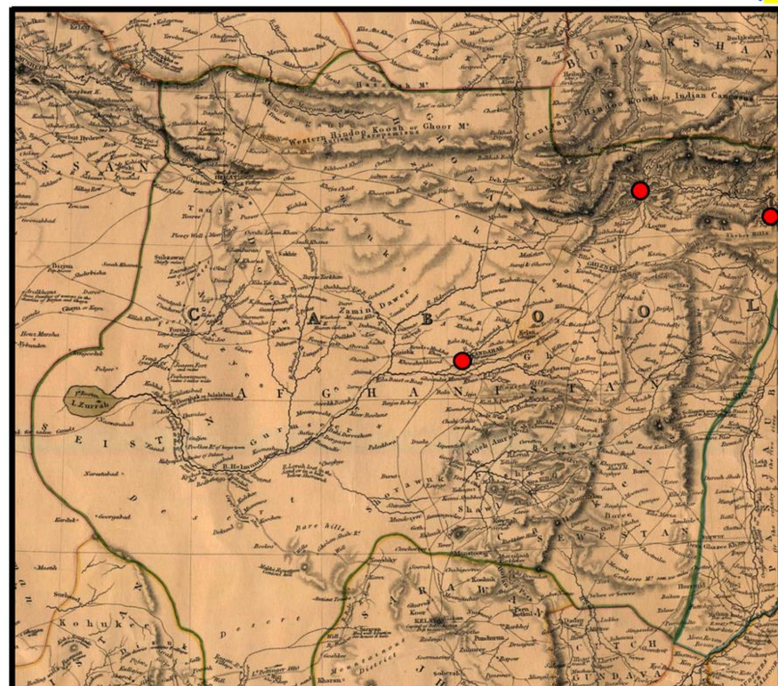
قبایل افغان در سده ۱۶



۴. افغانستان کنونی - ۱۹۲۲



۳. افغانستان بزرگتر(مثلث کابل، قندهار و هرات) - ۱۸۶۷



۲. افغانستان بزرگ (مثلث پشاور، کابل و قندهار) – ۱۸۳۸

از کوه‌های سلیمان تا افغانستان کنونی

(در نقشه‌های جغرافیایی)

۱۶۵۲

اغوان

(Aguvanes)



۱۶۵۲

اغوان

(Aguvanes)

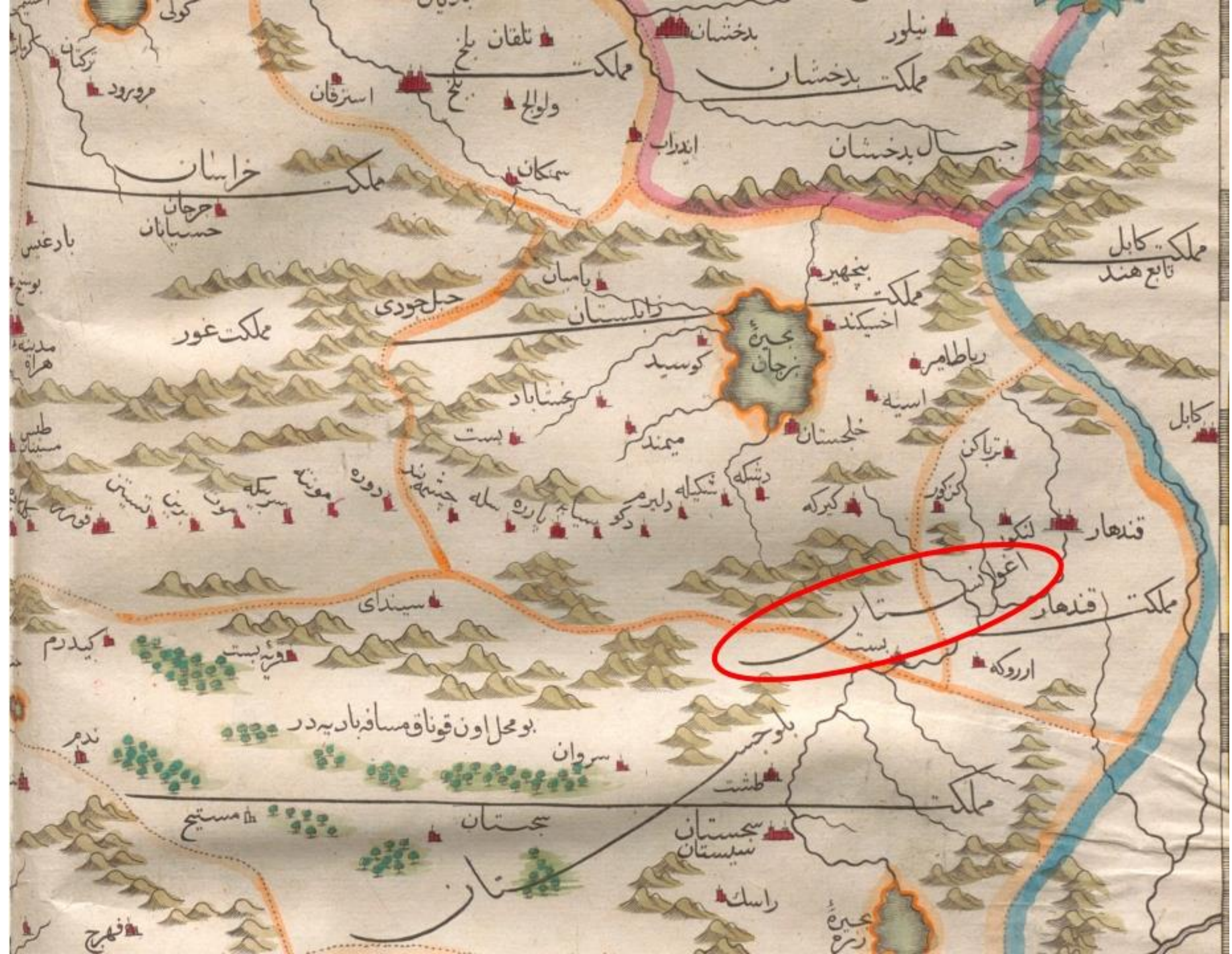




مملکت کابل
کابل
پاروه
سربند
ارك
جیدل
نومله
البد
پشاور
مملکت انوخ
مملکت کشمیر
کشمیر
حسن ابدال
لوره
شومامنکور
مملکت قندهار
کاروان
قندهار
لنکور
کاسه‌کان
خوجان
دنك
پتوله
مولتان
مملکت مولتان
لاهور
جبال اغوانیان
وکه
مملکت حایکان
شرپور
مارته
سودکر اراضئ بلوج

۱۶۵۲

اغوانستان



۱۷۴۲

کابل

(اغوان یا افغان)

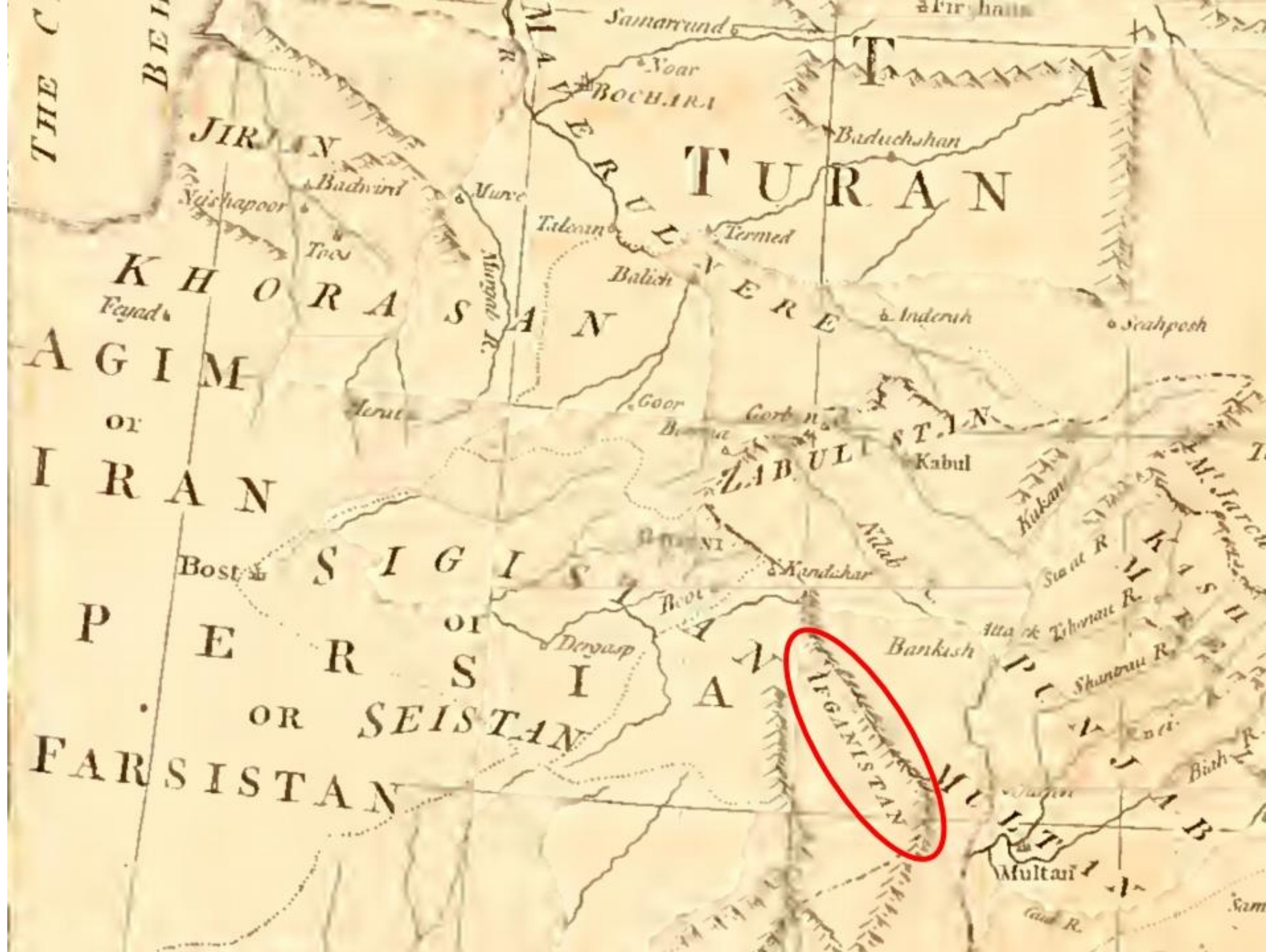
(Auguane or Afghans)



۱۷۶۸

افغانستان

(AFGANISTAN)
(کوه‌های سلیمان)



١٧٧٩

اغوانستان

(AGVANISTAN)



١٧٨٢

کابل

(CABUL)

مملکت ابدالی

(Country of Abdalli)

(افغان)

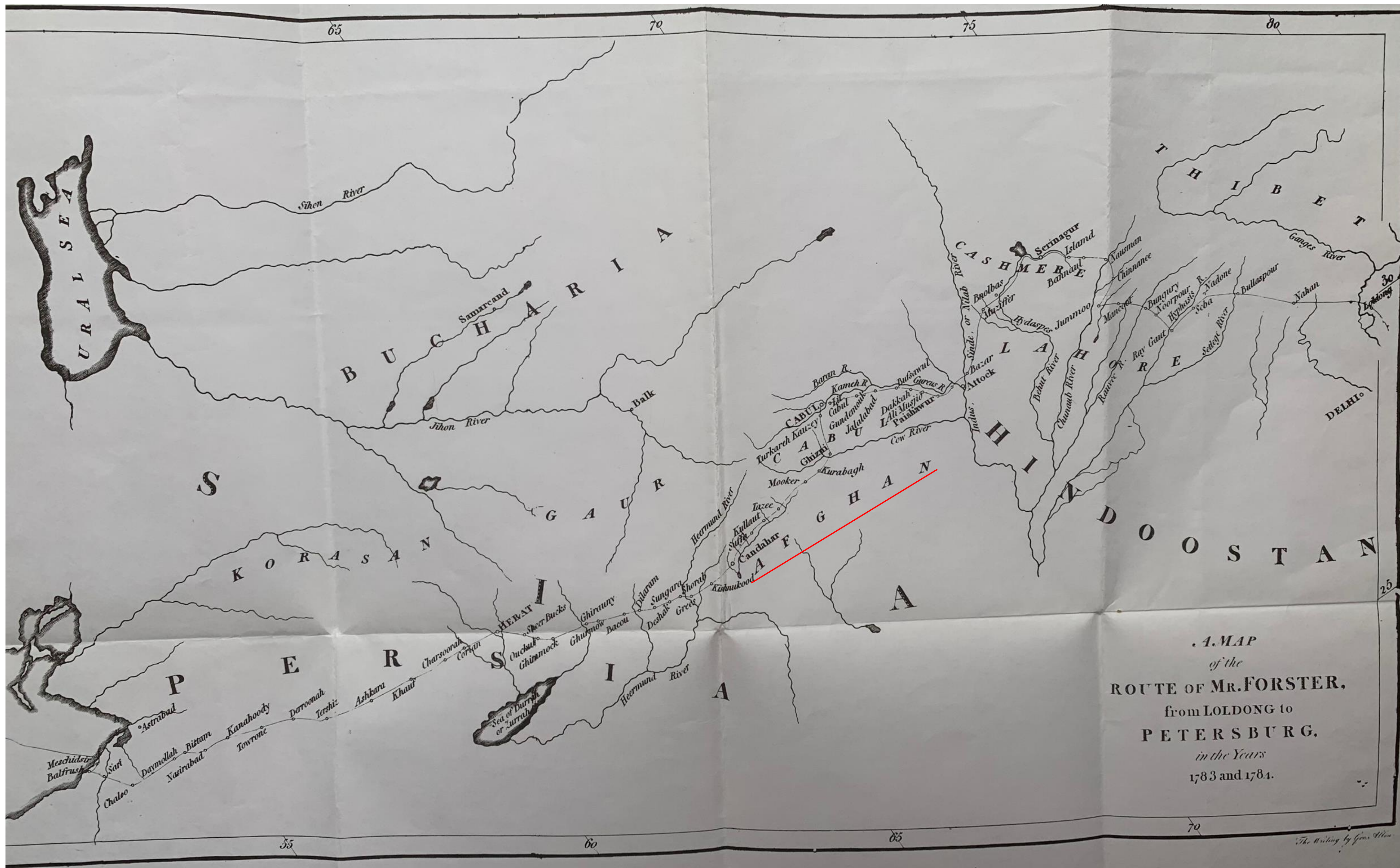
(AFGHANS)



۱۷۹۸

افغان

(AFGHAN)



۱۸۰۴

کابل

(CABUL)



١٨١٣

كابل

(CABUL)



١٨١۴

کابل

(CABUL)



١٨١٥

کابل

(CAUBUL)



۱۸۱۹

کابلستان

(CABULISTAN)



الفنستون، گزارش سلطنت کابل، ۱۸۱۵

بر طبق نامگذاری آخرین نقشه‌های ما[1] سلطنت کابل این سرزمینها را در بر می‌گیرد: افغانستان و سیستان، با بخشی از خراسان و مکران؛ بلخ با ترکستان و کیلان Kilan، کتور، کابل، قندهار، سند، کشمیر، با بخشی از لاهور و بخش بزرگتر مُلتان.

ص ۹۸

ص ۱۰۴

حال می‌توانم حدود پیچیدهٔ کشور افغانان را تعیین کنم: از شمال به هندوکش و سلسلهٔ پاروپامیز Paropamisan؛ از شرق به سند ـ تا نزدیک کوهها در عرض ۳۲ درجه و ۲۰ دقیقه ـ صحرای کرانهٔ راست سند در جنوب آن مسکن بلوچان و سلسله کوه سلیمان با شاخه‌های آن و سرزمینهای دامنهٔ آن متعلق به افغانان است؛ از جنوب به تپه‌های یادشده که سیوستان را در شمال محدود می‌سازد. سرزمین افغانان که پیوسته به شمال این کوهها‌ست، نخست به جانب غرب چندان امتداد نمی‌یابد که به سطح مرتفع کلات برسد؛ پس به شمال امتداد می‌یابد تا به بیابانی می‌رسد که مرز شمال ـ غربی آن است.

افغانان نام عمومی برای کشورشان ندارند؛ امّا «افغانستان» که محتملاً نخست در ایران به کار برده شده؛ مکرر در کتابها آمده است و اگر به کار رود برای مردم آن سرزمین ناآشنا نیست. بنابراین من این نام را برای کشوری به کار خواهم برد که هم اکنون حدود آن را شرح داده‌ام.

ص ۱۰۵

نامی که توسط ساکنان سرزمین بر تمام کشور اطلاق می‌شود خُراسان است امّا واضح است که به کاربردن این نام درست نیست؛ زیرا از یک سو تمام سرزمین افغانان در محدودهٔ خراسان داخل نیست و از سوی دیگر در بخش مهمی از آن ایالت، افغانان ساکن نیستند.[2]

ص ۱۵۸

Elphinstone, Kingdom of Caubul, 1815

According to the nomenclature of our latest maps *, it comprehends Afghaunistaun and Segistan, with part of Khorasan and of Makran; Balk, with Tokarestaun and Kilan; Kuttore, Caubul, Candahar, Sindy, and Cashmeer; together with a portion of Lahore, and the greater part of Moultan.

P 84

I am now enabled to describe the complicated limits of the country of the Afghauns. On the north, it has Hindoo Coosh, and the Paro-amisan range. The Indus is its boundary on the east, as long as that river continues near the hills; that is, as far as lat. 32° 20′. The plain on the right bank of the Indus, south of lat. 32° 20′, is inhabited by Beloches; but the chain of Solimaun, with its subordinate ranges, and the country immediately at their base, belongs to the Afghauns. The hills, which have been mentioned, as bounding Seeweestaun on the north, form the southern limits of the country of the Afghauns. The Afghaun country immediately to the north of these mountains, does not at first extend so far west as to reach the Table land of Kelaut; but it afterwards shoots past it on the north, and reaches to the desart, which is its north-western boundary.

P 92

The Afgnauns have no general name for their country; but, that of Afghaunistaun, which was probably first employed in Persia, is frequently used in books, and is not unknown to the inhabitants of the country to which it applies. I shall, therefore, use it in future to express the country, of which I have just described the limits.

P 92–93

The name most generally applied to the whole country by its inhabitants is *Khorassaun*; but this appellation is obviously incorrect. For, on the one hand, the whole of the Afghaun country is not included within the strict limits of Khorassaun; and, on the other, a considerable part of that province is not inhabited by Afghauns. *

P 151–152

١٨٢٨

کابل

(CAUBUL)



۱۸۳۴

کابل

(CABOOL)



١٨٣٨

کابل

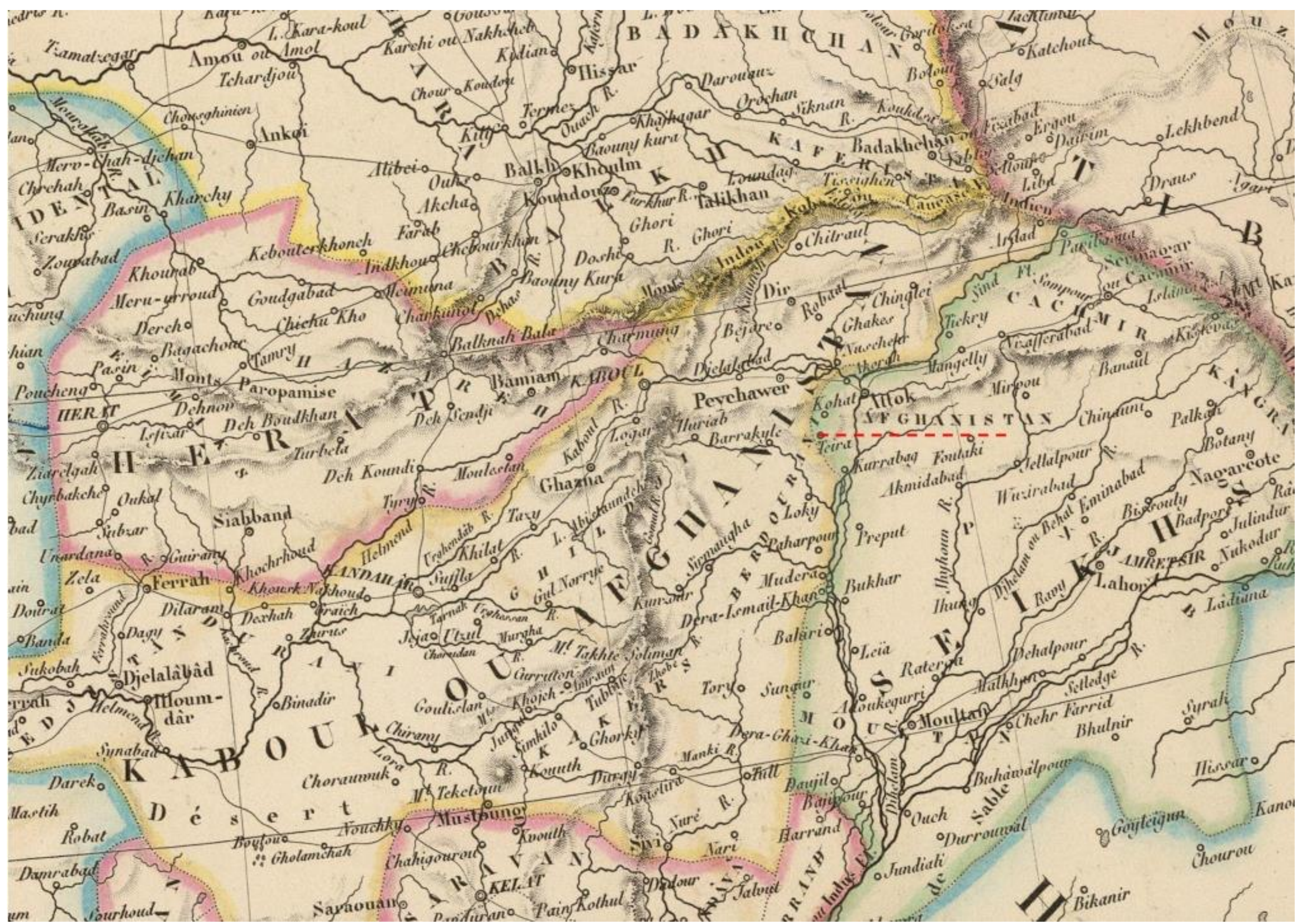
(CABOOL)



۱۸۴۵

کابل یا افغانستان

(KABOUL OU AFGHANISTAN)



١٨٥٠

کابل

(CABUL)



۱۸۵۰؟

کابل

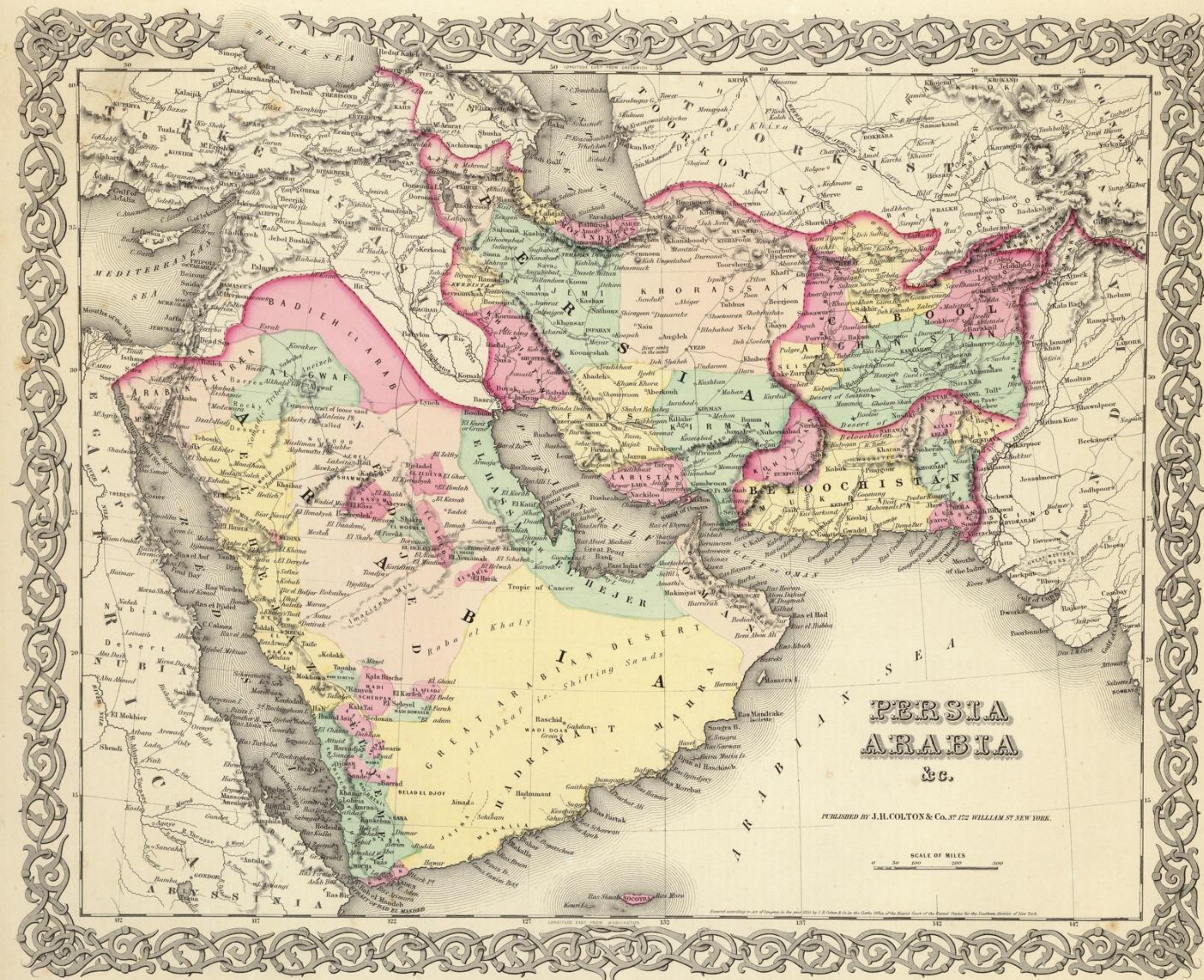
(CAUBUL)



١٨٥٥

کابل

(CABOOL)

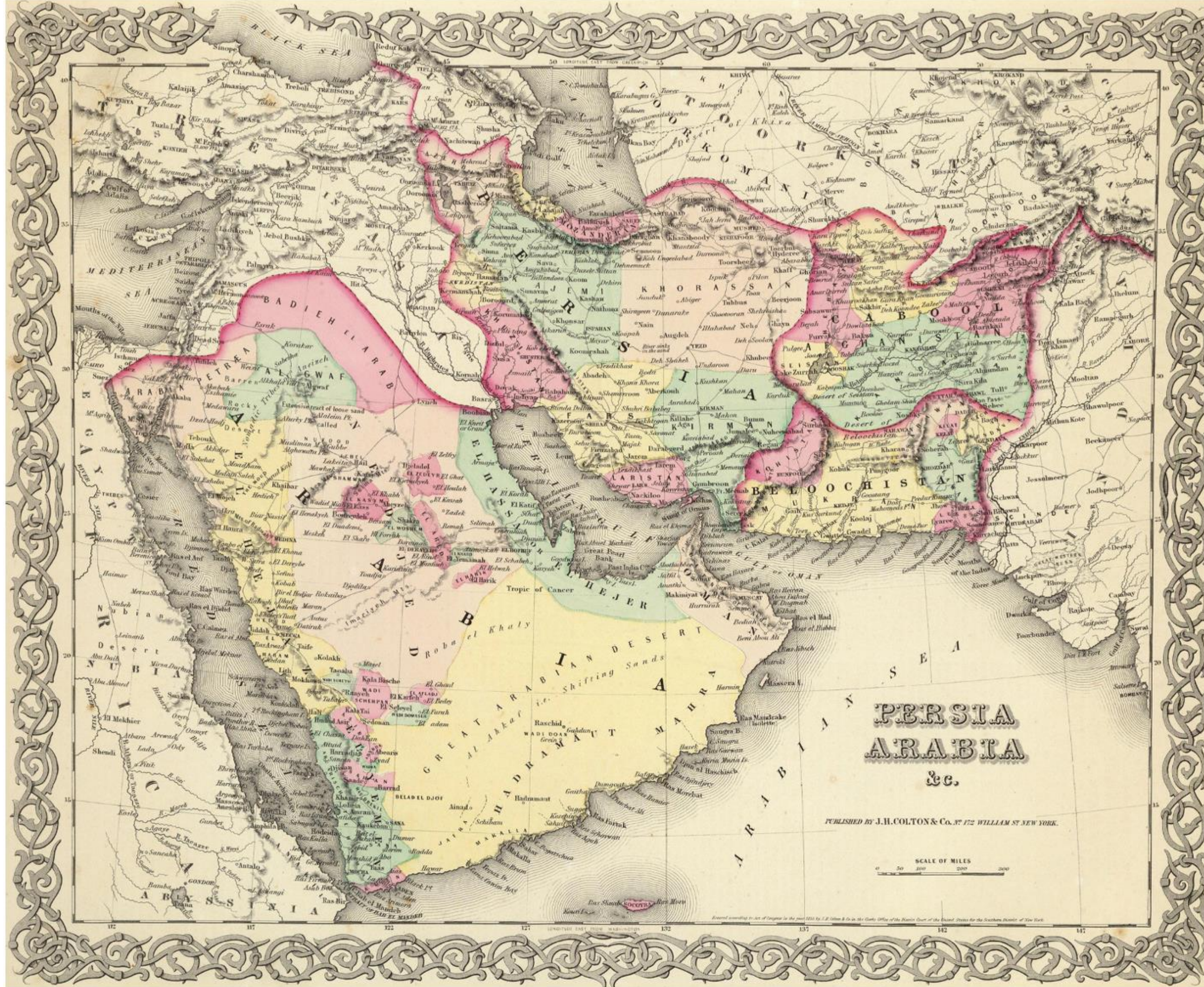


۱۸۵۸

افغانستان

(AFGHANISTAN)





کابل – ۱۸۵۵



افغانستان – ۱۸۵۸

۱۸۶۷

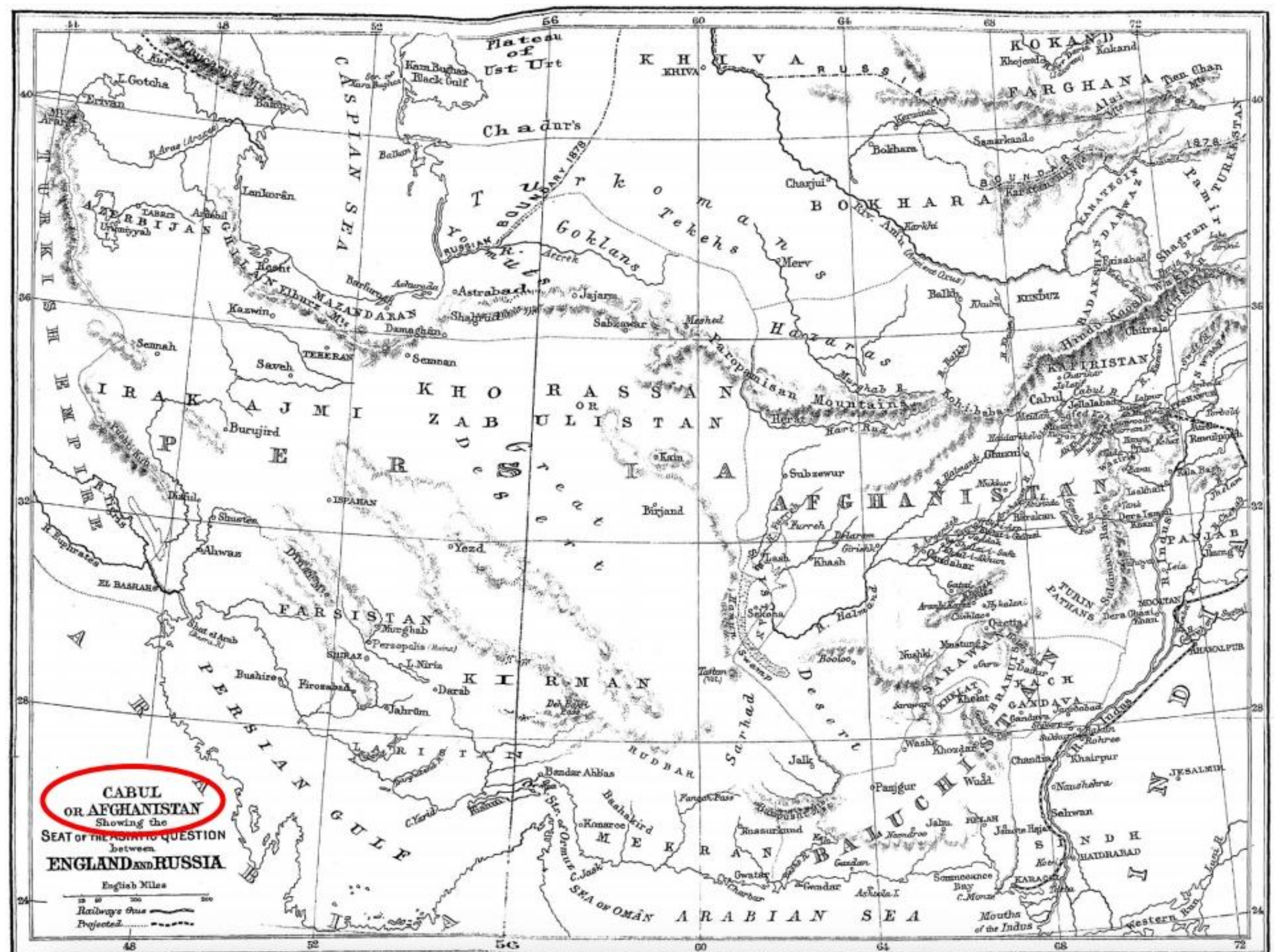
افغانستان



۱۸۷۸

کابل یا افغانستان

(CABUL OR AFGHANISTAN)



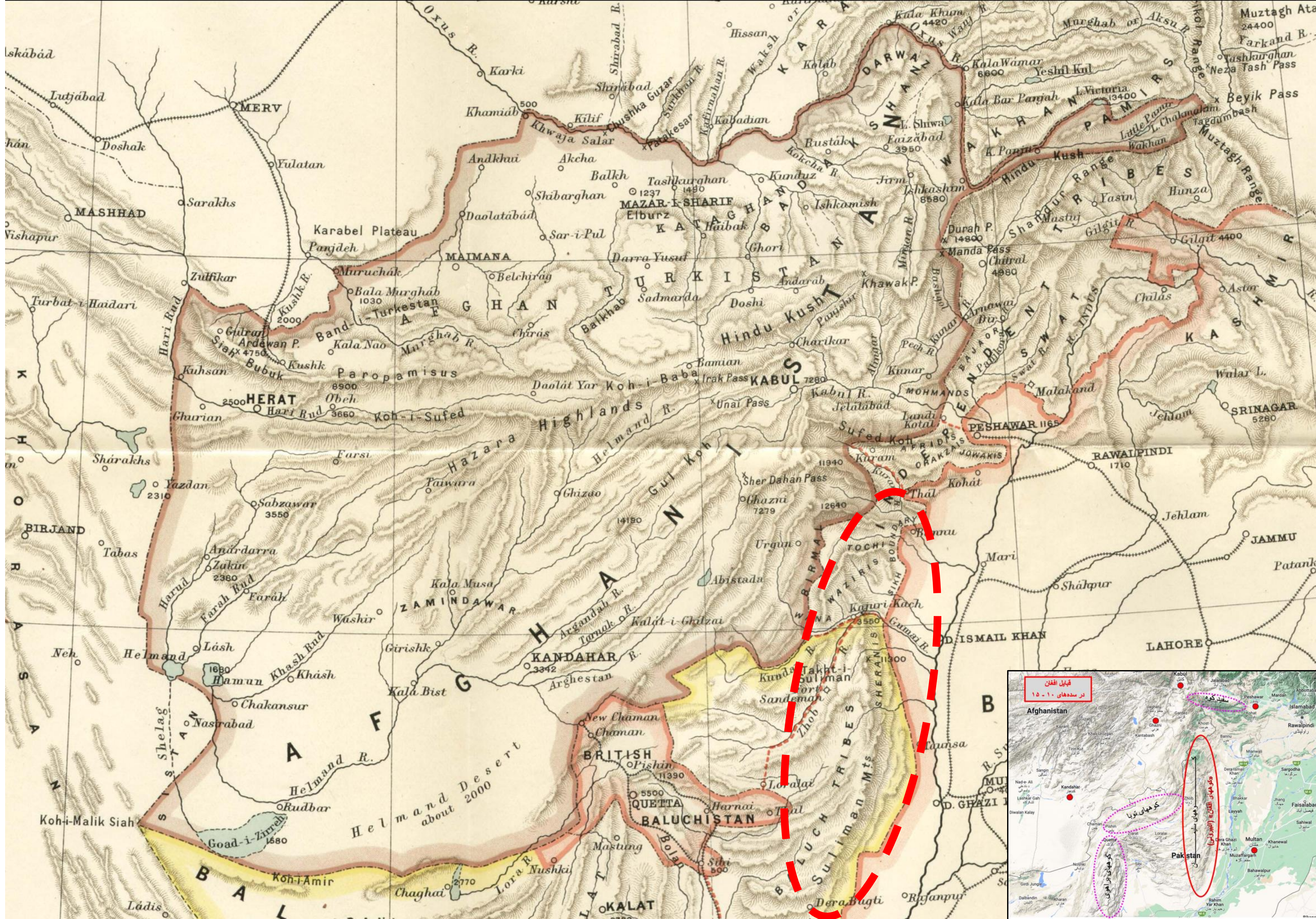
۱۹۰۰

از

کوه‌های سلیمان

تا

افغانستان کنونی



جغرافیای

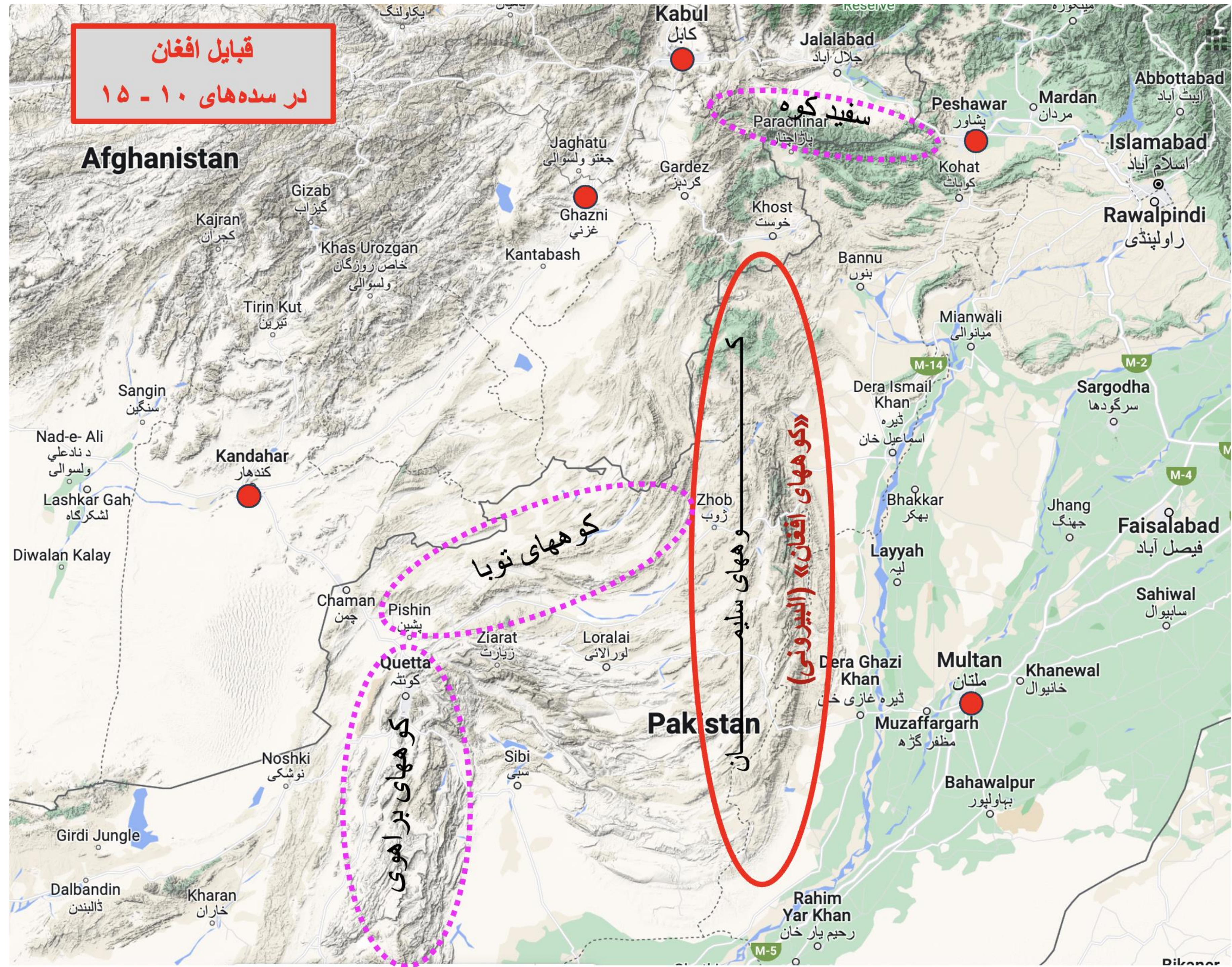
کوه‌های سلیمان

(در نقشه گوگل)
همراه با موقعیت

کابل/غزنی/قندهار

و

پشاور/ملتان



پیروز باشید!